

انقلابی در نوخواهی و تحول جویی

گزارشی از تغییرات گسترده در آموزش و پرورش چین

ترجمه‌ی؛ فاطمه بزرگ سهرابی

اشاره

گزارشی که در زیر می‌خوانید، شرح سفر و بازدید چند دبیر برگزیده‌ی انگلیسی از مدرسه‌های چین است. این دبیران که برنده‌ی جایزه‌ی بهترین تدریس سال ۲۰۰۶ بودند، از سوی شورای عالی آموزش و پرورش بریتانیا به چین اعزام شدند تا ضمن بازدید از این کشور و پیشرفت‌های آن، با نظام آموزشی رو به تغییر آن نیز آشنا شوند و از تجربه‌های آموزشی سودمند آن کشور درس بگیرند. اگرچه این گزارش بیشتر ناظر بر وضعیت آموزشی دبیرستان‌های چین است، ولی خواندن آن برای آموزگاران ابتدایی و کارشناسان آموزشی، با توجه به نکته‌های مهمی که در بر دارد، خالی از لطف نخواهد بود.

در زمینی به اندازه‌ی دو برابر زمین فوتبال، سه‌هزار دانش‌آموز دبیرستان «زیان» در صف‌های منظم، ورزش صبحگاهی می‌کنند. در ساعت ۹، بلندگوها خاموش می‌شوند و دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۷ ساله، بدون سروصدا روانه‌ی کلاس‌های خود می‌شوند.

سال‌ها بود که ما در غرب گمان می‌کردیم، نظام آموزشی چین، کودکان را یکسان بار می‌آورد، از بچه‌ها امتحان‌های سخت می‌گیرد، غذا خوردن با قاشق را به بچه‌ها یاد می‌دهد و ارتباط آن با خارج از کشور، به کلی قطع است. اما اکنون با مشاهده‌ی آنچه در این کشور می‌گذرد، نظر ما هم به کلی تغییر کرده است. در مدرسه‌های برگزیده‌ی چینی، دگرگونی‌های عمده در سیاست‌های آموزشی، تقریباً یک شبه به اجرا درآمده و با سرمایه‌گذاری هنگفت پایدار می‌شود. این برنامه‌ها تجربه‌های آموزشی بسیاری نیز به بار می‌آورند که از نظر استانداردهای ما غربی‌ها، انقلابی و بنیادی به شمار می‌روند.

امروزه برنامه‌ها و روش‌های آموزشی نو در مدرسه‌های چین رواج بی‌سابقه‌ای یافته‌اند. برای مثال، در دبیرستان وابسته به دانشگاه «شانگی»، گروهی از دانش‌آموزان ۱۵ و ۱۶ ساله، در حال گذراندن درس مهارت‌های ارتباطی هستند. در پایان هر درس از دانش‌آموزان خواسته می‌شود، درس را با نمره‌های الف، ب، ج و د ارزیابی کنند. به نظر یکی از بازدیدکنندگان انگلیسی، این روش در بریتانیا، روشی کاملاً جدید و نامتعارف به شمار می‌رود.

هدف چینی‌ها این است که روش‌های آموزشی را استان به استان در این کشور دگرگون کنند. وزارت آموزش و پرورش چین بر آن است که به آموزش طوطی‌وار و سنتی در مدرسه‌ها پایان دهد و «آموزش‌های گروهی»، «بحث‌های کلاسی» و «ایفای نقش» را جایگزین آن سازد. تأکید عمده نیز بر آموزش و یادگیری مهارت‌های ارتباطی است، نه معلومات‌اندوزی.

در وب‌سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش چین این عبارت نوشته شده است:

«آموزش دارای کیفیت و آموزش اخلاقی در چین رو به افزایش است.»

یکی از معلمان مدرسه‌ی شانگی با تأیید این مطلب می‌گوید: «گام‌هایی که اکنون برای ایجاد

تحول اساسی در نظام آموزشی چین برداشته می‌شوند، بر اساس همان ضرب‌المثل قدیمی چینی است که می‌گوید، بهتر است به جای آن که به مردم ماهی بدهیم، ماهی‌گیری را به آنان یاد بدهیم.»



تغییر و تحول در نظام آموزشی چین، با سرعتی باور نکردنی صورت می‌گیرد. برای مثال در استان شانگی، تغییر اساسی آموزش و پرورش از ماه سپتامبر (شهریور) سال (۲۰۰۷) برای دانش‌آموزان پانزده ساله آغاز شد. به طوری که معلمان فقط پنج روز فرصت داشتند تا روش‌های جدید آموزش، از جمله کار گروهی و ایفای نقش را یاد بگیرند و با کتاب‌های درسی جدید آشنایی پیدا کنند.

البته یادگیری روش‌های جدید برای معلمان چینی چندان هم ساده نیست. یکی از معلمان این مدرسه به ما می‌گوید: «اگر شما سال پیش به این‌جا می‌آمدید، این روش‌های جدید را مشاهده نمی‌کردید. روش‌های جدید دانش‌آموزان را وادار به فکر کردن می‌کنند که البته برای آن‌ها چندان آسان نیست. زیرا جهش ناشی از یک روش به روش دیگر، کار ساده‌ای نیست.»

معاون مدرسه نیز بر این باور است که روش‌های جدید برای دانش‌آموزان سودمندترند. او می‌گوید، پیش از اجرای اصلاحات، معلمان به دانش‌آموزان می‌گفتند که چگونه تفکر کنند، اما اکنون دانش‌آموزان در مدت پنج تا ده سال، روش خودیادگیری و تفکر را می‌آموزند. معلم زبان انگلیسی این مدرسه نیز با ابراز خشنودی از اجرای روش‌های جدید تدریس در مدرسه‌های چین می‌گوید، سال پیش ناچار بودم تمرین‌های زبان را با شاگردانم انجام دهم و پاسخ‌ها را برای آنان توضیح دهم. اما امسال کار کلاسی فقط شنیدنی، نوشتنی و درک معنی است. حالا ما رفته رفته به نارسایی‌های روش قدیمی پی می‌بریم.

سال پیش دولت چین وعده داد، بر اساس یازدهمین برنامه‌های پنج‌ساله‌ی کشور، ظرف سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، چهارده میلیارد یوان، معادل نهمصد و بیست میلیون پوند، صرف آموزش فنی و حرفه‌ای خواهد کرد و سی و شش میلیون کارگر اضافی برای آن کشور تربیت خواهد شد. این طرح، مخالف برنامه‌ی قبلی است که در آن بودجه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای به کلی حذف شده بود.

مدیر دبیرستان «زبان» از همکاری‌های آموزشی با مدرسه‌های ژاپن، ایتالیا، کره‌ی جنوبی، استرالیا و سنگاپور سخن می‌گوید و از برنامه‌ی همکاری با کشورهای بیشتری نیز خبر می‌دهد. ما از دانستن این موضوع بسیار شگفت‌زده شدیم. زیرا در انگلستان همکاری‌های آموزشی با مدرسه‌های سایر کشورها بسیار نادر است. هم‌چنین دانش‌آموز ۱۷ ساله‌ای به ما گفت، یکسال را در خارج از کشور به سر برده و قصد دارد برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا سفر کند. در مدرسه‌های انگلستان، درخواست برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه‌های خارجی وجود ندارد و اما حالا پس از بازدید از چین، به‌نظم تحصیل دانش‌آموزان انگلیسی در دانشگاه‌های خارجی، قابل طرح و بررسی است.

در مدرسه‌ی زبان، نوشته‌هایی روی دیوارها به چشم می‌خورند که ترجمه‌ی برخی از آن‌ها این بود:

آدم صبور و بردبار، دوستان زیادی دارد.

رضایت، کمترین خواسته‌ی امروز من است.

هر دوی این عبارات نشان‌دهنده‌ی توجه چینی‌ها به مبانی فرهنگی و ارزش‌های بومی خویش است؛ ارزش‌هایی مانند رفتار

شایسته، مسئولیت‌خانوادگی، احترام به دیگران و مسئولیت اجتماعی. در مدرسه‌ها، به نظر گروه بازدیدکنندگان انگلیسی، کودکان چینی تعلیمات روشنی درباره‌ی سلامت روحی و اجتماعی دریافت می‌کنند. حال آن‌که چنین اصولی، به کودکان انگلیسی تعلیم داده نمی‌شوند، بلکه کودکان یاد می‌گیرند چگونه تلاش کنند تا پاداش بگیرند.

البته از نظر **پروفسور ادویکرز**، استاد دانشگاه لندن، نظام چین معایبی نیز دارد. به گفته‌ی وی، دولت چین در دو دهه‌ی گذشته به ایجاد مدرسه‌های نمونه یا الگویی گرایش پیدا کرده است و نابرابری و اختلاف سطح بین مدرسه‌های مناطق ساحلی و غیر ساحلی، شهری و روستایی، شرقی و غربی چین وجود دارد. دولت چین ادعا کرده است، در سال ۲۰۰۵، ۹۵ درصد واجب‌التعلیمان توانسته‌اند، آموزش اجباری نه ساله را بگذرانند و این میزان، نسبت به سال ۲۰۰۰ ده درصد افزایش داشته است. این استاد دانشگاه هم‌چنین گرایش دولت چین به پرورش متخصصان علمی و فنی برای دست‌یابی به رشد اقتصادی به بهای بی‌توجهی به متخصصان علوم انسانی را مورد انتقاد قرار داده است.

اما با این همه، آن چه ما از نظام آموزشی چین آموختیم، این است که چینی‌ها قادرند بی‌درنگ نارسایی‌ها و ایرادهای نظام آموزشی خود را برطرف سازند. برای مثال می‌توانند، ظرف پنج روز آموزش‌گاران و دبیران را آموزش و برنامه و روش‌های آموزش جدید را به آنان یاد دهند. حال آن‌که ما انگلیسی‌ها، بسیار کندتر تغییرها را می‌پذیریم و خود را با آن‌ها سازگار می‌کنیم. ما هم‌چنین از گوناگونی رشته‌های حرفه‌ای در مدرسه‌های چین شگفت‌زده شدیم. این رشته‌ها واقعاً نوجوانان را برای ورود به بازار کار آماده می‌سازند.

موضوع دیگری که برای ما بسیار جالب بود، دیدگاه بین‌المللی دانش‌آموزان چینی بود. آن‌ها طوری تربیت شده‌اند که می‌توانند در شرایط جهانی شدن، به رقابت بپردازند. اما دانش‌آموزان انگلیسی، فقط کشور خود را می‌شناسند و اطلاعات زیادی از سایر کشورهای جهان ندارند.

مدیر مدرسه‌ی زیان به ما گفت، در سال‌های اخیر، شمار مدرسه‌های چینی که با مدرسه‌های انگلستان ارتباط و همکاری دارند، دو برابر شده است. این تعداد از ۷۰۶ مدرسه در سال ۲۰۰۵، به ۱۶۰۲ مدرسه در سال ۲۰۰۷ رسیده است. چین درهای خود را به طور کامل گشوده است و می‌خواهد از بقیه‌ی جهان، درس بگیرد. زیرا چینی‌ها بر این باورند که «همه چیز را همگان دانند.»

کودکان چینی از ۶ سالگی وارد دبستان می‌شوند و در ۱۲ سالگی دوره‌ی ابتدایی را به پایان می‌رسانند و وارد پایه‌ی اول دبیرستان می‌شوند. این دوره نیز سه سال به طول می‌انجامد. دوره‌ی آموزش اجباری در چین نه سال است و کودکان باید دره‌ی اول دبیرستان را در سن ۱۵ سالگی به پایان برسانند.

زیرنویس

1. role playing

منبع

کاردین، ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷